

سرمقاله

# افغانستان؛ جنگ دوامدار و صلح ناپایدار

حفیظ الله زکی

جنگ و صلح دو پدیده ای است که همزمان زندگی مردم افغانستان را با خود درگیر کرده است. بیشتر از یک دهه است که مردم افغانستان همه روزه این کلمات را می گویند و می شنوند و یا در عمل تجربه می کنند.

جنگ گسترده، مداوم و بدون معیار در افغانستان تا هنوز تلفات جانی و خسارات مالی فراوانی را به جا گذاشته و سبب مهاجرت میلیون ها تن در کشور گردیده است. جنگ موجب ویرانی و خرابی خانه ها، کشت زارها، مکاناب، شفاخانه ها و آبدات فرهنگی و تاریخی گردیده و فرار سرمایه، توقف پروژه های بازسازی، گرانی و ناامنی های شغلی را به دنبال داشته است. جنگ در افغانستان باعث عقب ماندگی کشور از کاروان مدنیت گردیده و روند توسعه و رشد کشور را با موانع و چالش های فراوانی روبرو کرده است. جنگ زمینه حضور سیاسی و نظامی جامعه جهانی در افغانستان را فراهم آورده و اقتصاد و تجارت این کشور را به حد اقل کاهش داده است.

نا امنی، فقر و بیکاری نتیجه مستقیم جنگ به شمار می رود که متأسفانه امروزه زندگی بسیاری از هموطنان را در سرآشوبی سقوط قرار داده است. اگر کارخانه های تولیدی یا ورکشپگی روبرو می شوند، اگر تجارت و علاقمندی به تجارت کاهش پیدا کرده، اگر سرمایه ها از کشور خارج می شوند و اگر روند بازسازی در کشور متوقف گردیده، دلیل عمده اش جنگی است که سراسر کشور را در آتش می سوزاند.

اما پدیده صلح هنوز وجود خارجی پیدا نکرده است. هنوز گره کور جنگ با سر انگشت معجزه آسای صلح باز نشده است. از صلح تنها شعار داده شده است. از صلح تنها تعداد معدودی به ثروت های انبوه دست یافته اند. از صلح تنها برای توجیه سیاست های تبعیض آمیز، ظالمانه و مستبدانه بهره برداری شده است. به همان اندازه که از صلح سخن گفته شده به همان میزان جنگ زندگی مردم را به تباهی کشیده است. هر زمانی که از افق روشن صلح نوید داده شده، قامت های بیشتری در گودال خونین جنگ خم شده است. از نظر مردم صلح تنها حرف است. صلح صرف یک پروژه است. صلح فریب است. صلح پوشش فریبنده برای دوام جنگ است.

بیش از یک دهه است که به صورت جدی از صلح سخن گفته می شود و در این راستا میلیون ها دالر سالانه به مصرف می رسد، اما دستاورد عملی آن برای مردم افغانستان مشهود نبوده است. در حکومت قبلی بسیاری از پروژه ها و کمک ها به مناطق نامن سوق داده شد. به این بهانه که با این پروژه ها توجه مردم را به خدمات دولت جلب می کند. ولی این تلاش ها نه تنها مؤثر واقع نشد که زمینه نفوذ گروه های شورشی را در منطقه بیشتر فراهم کرد. مردم به این باور رسیدند که در مخالفت با حکومت بیشتر منفعت به دست می آورند تا با همکاری با حکومت.

اگر امروزه از پروژه های خیالی، مکاتب خیالی، معلمان خیالی، کلینیک و شفاخانه های خیالی سخن گفته می شود، برآیند همان سیاست های غلط و یکجانبه ای است که در سال های گذشته از سوی حکومت تعقیب شد.

حکومت وحدت ملی، سیاست های شفاف تری در ارتباط با صلح در پیش گرفت و علاوه بر این که در سطح داخلی جریان صلح را تعقیب کرد، تلاش های مشترکی را با کشورهای همسایه، منطقه و جهان نیز آغاز کرد. گرچند این تلاش ها در کل به بن نه تنها مواجه شد، اما صلح با حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که یکی از احزاب با سابقه و پر طرفدار در کشور می باشد، یک گام مهم و اساسی در این راستا به شمار می رود. این که صلح با حزب اسلامی به ختم جنگ منجر شود، تا حدی زیادی خوشبینانه به نظر می رسد؛ اما با پیوستن این گروه به حکومت حد اقل بن بست صلح شکسته می شود. پروژه جنگ در افغانستان به دست کشورهای خارجی است و تا زمانی که حمایت کشورهای منطقه از روند صلح جلب نشود، صلح پایدار و واقعی در کشور برقرار نخواهد شد.

جنگ داخلی در افغانستان منشأ داخلی و خارجی دارد؛ اما عوامل خارجی جنگ بسیار قدرتمندتر و با برنامه تر عمل می کند، طوری که منشأ خارجی جنگ تمام پارامترهای داخلی آن را تحت شعاع قرار داده است.

عوامل و زمینه های داخلی جنگ امروزه نقش اولی و تعیین کننده در توقف و ادامه جنگ را ندارند، از آن ها تنها به حیت ابزار پیشبرد مقاصد و اهداف کشورهای خارجی بهره برده می شوند. توجه به عوامل و سرچشمه های جنگ دوامدار در افغانستان از آنجا اهمیت می یابد که بدون تمرکز به عوامل جنگ، ما نمی توانیم راهکارهای مؤثری را برای صلح پیشنهاد کنیم. برای اینکه بتوانیم استراتژی مفید و اثر گذار صلح را داشته باشیم، باید در درجه نخست به عوامل، پیامدها و ابزارهای جنگ توجه نماییم و با شناخت از این عوامل، می توانیم آگاهانه تر در باره صلح تصمیم بگیریم. ما گاهی ناچار می شویم برای استقرار صلح و ثبات در کشور بجنگیم، همانطور مجبوریم که برای تعقیب و پیگیری روند صلح به تمام عوامل و جوانب جنگ توجه کنیم.

در افغانستان متأسفانه این مسأله در دوران حکومت قبلی کاملاً نادیده گرفته شده بود. منظور از نادیده گرفته شدن این مسأله که در باره آن حتا سخن گفته نمی شد؛ بلکه سخن در این است که در راهبرد صلح در کشور کمتر به این بعد قضیه توجه صورت می گرفت، به معنای واقعی کلمه ما در چهارده سال گذشته اصلاً استراتژی نداشتیم. ما به معنای واقعی کلمه دچار روزمرگی بودیم و روزمرگی به یک عادت و با یک استراتژی تبدیل بود. به این خاطر راهبردها و موضع گیری های ما به شدت از نوسانات غیر قابل پیش بینی رنج می برد. دامنه این نوسانات تمام مسایلی

داخلی و خارجی را دربر می گرفت. در بعد داخلی ما سیاست مشخصی در قبال گروه های داخلی که علیه دولت می جنگیدند، نداشتیم. یک روز آنها را دشمن خطاب می کردیم، یک روز به عنوان حامیان تروریسم محکوم می کردیم،

رضا احسانی



سیاسی و بازکردن دفتر برای مخالفان در خارج از کشور و تسهیلات در سفرهای سران و نمایندگان این گروه ها در داخل و خارج بود که طی چند سال اخیر از سوی حکومت قبلی با سرعت و شدت بیشتر به اجرا در آمد.

وقتی به سیاست های چند سال قبل حکومت در قبال گروه های شورشی بیندازیم، به خوبی متوجه عمق اظهارات اخیر حامدکرزی در باره طالبان می شویم. در حکومت قبلی طالبان از طریق جنگ و فشار نظامی سرکوب نمی شدند؛ بلکه از راه رشوت و تخصیص میلیون ها دالر از سرمایه های ملی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم در اختیار این گروه ها قرار می گرفت، از حملات شان بر برخی از مراکز جلوگیری می شد. درآمد طالبان و سایر گروه ها از بخش تولید و قاچاق موادمخدر، سهم آنها از بابت بازسازی مناطق نا امن، نقل و انتقال کاروان های نیروهای خارجی، سهم مشخص آنها در درآمد شرکت های دولتی و خصوصی ... امتیاز کمی نبود که به این گروه ها به صورت غیر رسمی تعلق می گرفت. گروه های شورشی با این پول ها می توانستند، اسلحه، مهمات و

سایر مایحتاج جنگی خود را تهیه کنند. دسترسی به امکانات نظامی و پولی، قدرت این گروه را هم از لحاظ جغرافیایی توسعه می بخشید و هم زمینه های سربازگیری و روند جلب و جذب مردم به این گروه ها را تسهیل می نمود. البته حکومت قبلی تنها در شناسایی عمیق از ابعاد داخلی جنگ غفلت نکرد، بلکه به وضوح از تبیین یک سیاست شفاف و همه جانبه با کشورهای همسایه، منطقه و جهان نیز عاجز ماند و نتوانست سیاست های امنیتی خود را در چسوکات امنیت منطقه ای و بین المللی باز تعریف کند. سیاست های امنیتی افغانستان در بعد خارجی دچار روزمرگی و از آن بدتر در دام سلب و غلبه و غلبه و سلب و غلبه گرفتار آمده بود. منافع شخصی و گروهی و قومی، سیاست های خارجی را در مجموع و سیاست های امنیتی را بخصوص تحت تأثیر قرار داده بود. حتا چانه زنی ها با کشورهای خارجی در باره مسائل حیاتی و مهم کشور، با تأمین منفعت های شخصی، گروهی و قومی، باگذشت، مدارا و حتا عقب نشینی خفته پیدا می کرد. نظام جدید با حمایت جامعه جهانی به وجود

یکروز مزدور و نوکر بیگانه می گفتیم؛ اما روز دیگر آنها را افغان و هموطن می دانستیم که حساب و بر خورد با آنها با سایر سران و نمایندگان این گروه ها در داخل و خارج بود که طی چند سال اخیر از سوی جنگیدند، کاملاً فرق می کرد. بالاتر از آن گاهی آنها را تا حد برادران ناراضی، که باید منتش را کشید و تاوان این همه جفاهایی! که در حق آنها روا داشته شده بود را داد، بالا می آوردیم. این دید خواه ناخواهی این مسؤلیت را هم در قبال می آورد که برای جلب رضایت گروه های شورشی باید از راه ممکن تلاش کرد. این حرکت واپسگرایانه در سال های اخیر حکومت قبلی به جایی رسیده بود که مسأله عنذخواهی و پوزش حکومت از این گروه ها نیز در برخی محافل سیاسی مطرح می شد. پیابند این برداشت از گروه های مسلح مخالف دولت، آزادی بسیاری از افراد مهم و حتا فرماندهان نظامی طالبان از زندان، محدودیت عملیات های نظامی برای سرکوب شورشیان، منع حملات هوایی، حملات شبانه و منع استفاده از طیارات بدون سرنشین، تلاش برای حذف نام طالبان از لیست سیاه سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا، اجازه فعالیت های

## علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی و راه های پیشگیری از آن

محمد فولادی



در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

بنابراین، معیار دیگر تشخیص رفتارهای ناپسند و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی ناپسند تلقی می شود.

حال سؤال این است که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند و عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟ بررسی و ریشه یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و ممانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند.

هر چند بررسی عمیق انحرافات اجتماعی مجال دیگری می طلبد، اما به اجمال، به چند عامل مهم پیدایش انحرافات اجتماعی اشاره می گردد.

عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای ناپسند و آسیب ها عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز می تواند مؤثر باشد:

عوامل فردی: جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و... عوامل روانی: حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم هوشی، خیال پردازی، قدرت طلبی، کم رویی، پرخاشگرگی، حسادت، بیماری های روانی و... عوامل محیطی: اوضاع و شرایط اجتماعی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و... عوامل اجتماعی: خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی کاری، شغل، رسانه ها، مهاجرت، جمعیت و...

غیرنرمال و ناپسند. عمدتاً چهار معیار برای این امر وجود دارد:

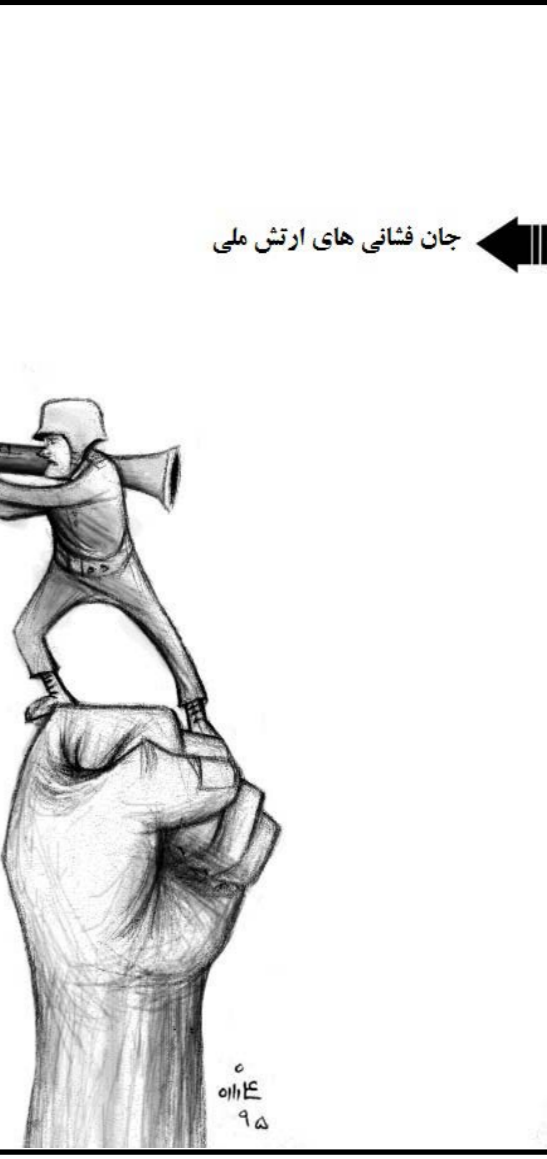
۱. ملاک آماری: از جمله ملاک های تشخیص رفتار ناپسند، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیر عادی بودن را نشان می دهد. کسانی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد ناپسند تلقی می شوند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی تلقی می شود. برای مثال، از نظر آماری وقتی گفته می شود که لباسی مد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می پوشند. بنابراین، صفتی که بیشتر افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار تلقی شده و غیر طبیعی و ناپسند تلقی می شود.
۲. ملاک اجتماعی: انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت ها و انتظارات جامعه و نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه دربار آن قضاوت می کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار ناپسند و بهنجار است. یعنی رفتاری که مورد قبول افراد نباشد و مثلاً با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه با عکس العمل آنان مواجه شویم، این گونه رفتارها ناپسند تلقی می شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است.
۳. ملاک فردی: از جمله ملاک های تشخیص رفتار ناپسند، میزان و شدت ناراحتی است که فرد احساس می کند. یعنی اگر این رفتار خاص، با ارزش ها و

مطالعه انحرافات و کجروی های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی (Social Pathology) عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها و آسیب هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراهِ با علل و شیوه های پیش گیری و درمان آن ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و ناپسمانی اجتماعی است. (۱) به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و ناپسمانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می آید و رفتارها آسیب می بیند، یعنی، آسیب زمانی پدید

کارتون روز

می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر رفتاری بسا انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می شود. سازمان یا هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند، اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان ها پای بند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و «ناسازگار» می باشند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و ناپسند را انجام می دهند و زودگذر و گذرا نباشد، کجرو یا منحرف نامیده می شوند. این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی یا (Social Devianced) و یا کجروی اجتماعی گویند. (۲)

حال سؤال این است که چگونه تشخیص دهیم رفتاری از حالت عادی و به اصطلاح نرمال خارج شده و به حالتی غیرنرمال و ناپسند تبدیل شده است؟ ملاک ها و معیارهایی وجود دارد. بسا این معیارها و ملاک ها می توان تشخیص داد که رفتاری در یک سازمان، نهاد و یا جامعه ای عادی و مقبول و نرمال است، یا غیر عادی،



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma  
Daily Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Newspaper